

بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها*

زهرا پیشگاهی فرد - دانشیار دانشگاه تهران

امیر قدسی** - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۸۲/۱۲/۳ تائید نهایی ۸۶/۰۲/۲۲

چکیده

بدون شناخت محیط پیرامونی و نظم و معادلات حاکم بر آن، دستیابی به اهداف، امنیت و منافع ملی غیر ممکن و در صورت امکان مستلزم سعی و خطای بسیار، اتلاف منابع و هزینه‌های سنگین و احتمالاً جبران ناپذیر خواهد بود. امروزه قدرت‌های بزرگ با سطح بازی فرامنطقه‌ای نیز علاوه بر شناسایی توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های سایر کشورها در سطح بین‌الملل، از توجه ویژه به همسایگان خویش غافل نیستند.

کشور پاکستان در منطقه‌ای واقع شده که به دلیل خصوصیات جغرافیایی همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و بنابراین بررسی ژئوپلیتیک این کشور می‌تواند در اتخاذ تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ما سودمند و برای کاستن از تصادمات احتمالی در آینده مفید واقع شود.

این مقاله در صدد شناخت جایگاه کشور پاکستان در ژئوپلیتیک جدید منطقه و سیر تحولات صورت گرفته در صحنه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای پس از دوران جنگ سرد و حادثه ۱۱ سپتامبر است. از این رو مجاورت این کشور در کانون مناطق بحرانی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی قرن بیست و یک و اثرات این همجواری بر کشورهای همسایه مورد مذاقه است تا به درک کامل تری از شناخت ویژگی‌ها و ریشه‌یابی چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها کمک نماید.

کلید واژه‌ها: پاکستان، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیکی، حکومت، منافع ملی.

مقدمه

ژئوپلیتیک در طی قرن بیستم دوره‌های پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. براساس تقسیم‌بندی اگنیو^۱ و دالبی^۲، از زمان پیدایش این دانش تا پایان جنگ جهانی دوم را می‌توان دوره ژئوپلیتیک داروینستی (جبر محیطی) نامید، به این معنا که جغرافیا به عنوان متغیر مستقل شکل دهنده سیاست کشورها بود. این دوره را عصر

* این مقاله حاصل طرح پژوهشی با همین عنوان است که با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در دانشکده جغرافیا اجرا شده است که بدینوسیله از مسئولین و دست‌اندرکاران آن تشکر می‌گردد.

** E-mail : Amir.ghodsi1965@yahoo.com

نویسنده مسئول: ۰۲۱۷۷۰۰۲۵۹۹

^۱ - Agnew

^۲ - Dallby

ژئوپلیتیک آلمان نیز نامگذاری کرده اند. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ دوره ژئوپلیتیک جنگ سرد نامیده شده است. در این دوره ژئوپلیتیک از نظر دانشگاهی غیر فعال و در حال سکوت بود اما در عرصه سیاست عملی و توسط تصمیم گیران سیاست خارجی همچنان بکار گرفته می شد.

غیر فعال بودن ژئوپلیتیک در سال های میانی نیمه دوم قرن بیستم که نتیجه هم معنا شدن ژئوپلیتیک آلمان و حزب نازی بود، موجب فعال شدن جغرافیای سیاسی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گردید. ریچار هارتشورن جغرافیدان سیاسی امریکا با تأکید بر جغرافیای سیاسی، در پی جدا سازی سرنوشت جغرافیای سیاسی از ژئوپلیتیک (به عنوان یک دانش مطرود و جنگ طلب) بود. منظور هارتشورن از جغرافیای سیاسی، زنده کردن سنت جغرافیای انسانی فرانسه، مکتب امکان گرایی دولابلاش و تأکید بر اهمیت ناحیه سیاسی (کشور) به عنوان اصلی ترین مقیاس مکان در مطالعات جغرافیای سیاسی بود (میرحیدر، ۱۳۸۵، ۶). ذکر این نکته ضروری است که اگر چه ژئوپلیتیک در طی این چهار دهه مورد بی مهری قرار گرفت، اما در عمل تدریس آن در دانشکده های نظامی ادامه یافت و سیاست هایی چون مهار شوروی^۱ که توسط جرج کنان^۲ در سال ۱۹۴۷ مطرح شده و اساس سیاست امریکا و غرب در دوران جنگ سرد نسبت به شوروی قرار گرفت، دست مایه های ژئوپلیتیک داشته و متأثر از نظریه ریملند^۳ اسپایکمن بود، هر چند چنین ارتباطی هیچگاه اذعان نگردید (افشردی، ۱۳۸۱، ۷). در دوره جدید، ژئوپلیتیسین ها با دیدگاه های مختلف تعاریف متنوعی از ژئوپلیتیک ارائه نمودند. برخی از این تعاریف همچنان قالب کلاسیک خود را حفظ کرده و برخی کاملاً نو بنظر می رسند. سوئل کوهن معتقد است: ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیای فضا با سیاست است. ژئوپلیتیک تأثیر دو جانبه ی الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان ها مطالعه می کند. کنش متقابل فضایی و فرایندهای سیاسی در تمامی سطوح (محلی، ملی، قاره ای و جهانی) سیستم ژئوپلیتیک بین المللی را قالب ریزی و ایجاد کرده است (افشردی، ۱۳۸۱، ۸). عزت ... عزتی ژئوپلیتیک را چنین تعریف کرده است: ژئوپلیتیک در حقیقت نتایج و تأثیرات عوامل جغرافیایی بر یک سیاست است. به عبارت دیگر، نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملی بررسی می شود (عزتی، ۱۳۷۷، ۱). دکتر میرحیدر معتقد است ژئوپلیتیک، شیوه های قرائت و نگارش سیاست بین المللی توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن ها بر تصمیم گیری های سیاسی در سطح ملی و منطقه ای است (میرحیدر، ۱۳۷۷، ۲۲).

ایولاکست، جغرافیدان فرانسوی می گوید: ژئوپلیتیک مجموعه پیچیده ای از نیروهای متخاصم و متضادی است که بر سرزمین هایی با ابعاد کوچک، خواه به منظور تفوق سیاسی و خواه برای بیرون راندن رقبای یکدیگر به کشمکش می پردازند (ایولاکست، ۱۳۶۸، ۷). محمدرضا حافظ نیا تعریف زیر را از ژئوپلیتیک ارائه نموده است: علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش های ناشی از ترکیب آن ها با یکدیگر (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۳۷).

1 Containment

2 - George Kennan

3 - Remland

روش تحلیل ژئوپلیتیکی

برای انجام یک تحلیل ژئوپلیتیکی روش های گوناگونی مطرح شده است. عزت ا... عزتی در فصل دوم کتاب "ژئوپلیتیک"، عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک را به دو بخش "ثابت" و "متغیر" تقسیم کرده و معتقد است، عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده های طبیعی و جغرافیایی است که موقعیت جغرافیایی در میان آن ها نقش کلیدی دارد. عوامل متغیر که ممکن است برخی از آن ها منشاء طبیعی داشته باشند، به دلیل نقش کمیتی که دارند متغیر محسوب می گردند و عامل انسانی در بین آن ها نقش کلیدی دارد.

دکتر ایولاکست نیز در روش تحلیل ژئوپلیتیکی معتقد است، محقق باید از هر نوع پیش داوری نسبت به منطقه مورد مطالعه پرهیز کند، بلکه از طریق آشنایی نزدیک با منطقه نسبت به شناخت ریشه بحران ها اقدام نماید. البته او بر ادعای تاریخی و همچنین ضرورت شناخت اندیشه های ژئوپلیتیکی افراد و نهادهای تأثیرگذار بر مردم تأکید داشته و معتقد است، نحوه القاءات تفکرات ژئوپلیتیکی بر مردم توسط این نهادها یک اثر اساسی بر مناطق بحران خیز دارد (افشردی، ۱۳۸۱، ۲۹)

بر این اساس، در مقاله حاضر که به "تحلیل ژئوپلیتیکی پاکستان" اختصاص دارد، پس از اشاره به ویژگی های ژئوپلیتیکی این کشور، به اثرات آن بر کشورهای همسایه و پیرامونی پرداخته شده است. بدیهی است عوامل مورد مطالعه صرفاً راهنمای اولیه ای برای محقق بوده و به هیچ وجه جنبه پیشداورانه نداشته است، بلکه می تواند به درک کامل تری از شناخت ویژگی ها و ریشه یابی بحران ها کمک نماید.

روش تحقیق

راه و روش تحقیق از نوع توصیفی است و در آن تأثیر عوامل ژئوپلیتیک به عنوان متغیرها بر روابط میان پاکستان و کشورهای همسایه مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش به دلایل مختلف (اعم از مشکل دسترسی به منطقه، وجود محدودیت در ارائه اطلاعات و مانند آن)، شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و مبتنی بر اسناد و مدارک می باشد و برخی از قسمت های تحقیق نیز حاصل برداشت های نگارنده از میان متون و شواهد موجود است. پس از جمع آوری اطلاعات، بر حسب شاخص ها، اطلاعات تجزیه و طبقه بندی شده و مطالب انتخاب شده مورد تحلیل محتوایی قرار گرفته است.

ویژگی های ژئوپلیتیکی پاکستان

ساختار طبیعی

کشور پاکستان در محدوده ۲۰° ۲۳' تا ۱۰° ۳۷' عرض جغرافیایی و ۵۰° ۶۰' تا ۴۵° ۷۷' طول شرقی جغرافیایی واقع شده و مدار راس السرطان از جنوب آن می گذرد (صفوی، ۱۳۸۰، ۲۴۳). پاکستان با حدود ۸۰۳ هزار کیلومتر مربع وسعت (نیمی از وسعت ایران) در منطقه آسیا و شبه قاره هند قرار دارد. ساختار سرزمینی پاکستان و ناهماهنگی در طول و عرض جغرافیایی، یک ضعف دفاعی - امنیتی برای این کشور محسوب می شود. در

شمال، شمال شرق و شمال غرب پاکستان سه رشته کوه هیمالیا^۱، هندوکش و قره قروم قرار دارند که این رشته کوه ها در مجموع هفت قله از شانزده قله مرتفع جهان و "کی - دو"^۲ دومین قله مرتفع جهان را در خود جای داده اند (ایرانزاد، ۱۳۷۹، ۸۹). این رشته کوه ها از دیدگاه دفاعی - امنیتی وضعیتی دو گانه را بوجود آورده اند از یک سو سدی در برابر تهاجم بیگانگان بوده و از سوی دیگر مانعی در زمینه اقدامات نظامی - امنیتی پاکستان در مواقع مقتضی به شمار می روند.

کشور پاکستان از شمال با چین و افغانستان، از غرب با جمهوری اسلامی ایران، از شرق با هند و از سمت جنوب با دریای عمان (به طول ۸۱۴ کیلومتر ساحل) همسایه است. مرزهای بین المللی پاکستان از دیدگاه امنیتی دارای ویژگی های خاص هستند. پاکستان دارای ۵۲۳ کیلومتر مرز با چین است که مرزی کم تحرک و دوستانه محسوب می شود و مهمترین مرز پاکستان از دیدگاه دفاعی - امنیتی، مرز مشترک ۲۰۲۸ کیلومتری این کشور با هند است که یک منطقه فعال امنیتی به شمار می رود. مرزهای مشترک پاکستان با افغانستان به طول ۲۴۶۶ کیلومتر، و گذرگاه خیبر در مرز پیشاور مهمترین معبر استراتژیک در این منطقه می باشد. پاکستان همچنین دارای ۸۹۱ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران است که این منطقه به لحاظ جغرافیایی جزئی از فلات بلوچستان به شمار می رود. مرز دریایی پاکستان و وجود بندر کراچی در این منطقه با توجه به مناقشه دیرین پاکستان و هند دارای نقش حیاتی و استراتژیک برای این کشور است. از نظر منابع آب، مهمترین متغیر از دیدگاه دفاعی - امنیتی قرار گرفتن رودخانه های مهم پاکستان در مناطق مرزی با هند و سرچشمه گرفتن بسیاری از این رودخانه و شعبات آن از خاک هند می باشد. رود سند با ۲۹۰۰ کیلومتر طول به عنوان یکی از طویل ترین رودهای جهان، نقش حیاتی در زندگی اقتصادی - اجتماعی مردم پاکستان دارد و محوری ترین متغیر در پنجاب، مهمترین ایالت پاکستان به شمار می رود. اگر چه پراکندگی و حجم منابع آبی وارده از خاک هند به گونه ای نیست که دولت هند قادر به بهره برداری از آن به عنوان یک اهرم دفاعی - امنیتی بر علیه پاکستان باشد، اما این مسئله مانع از اختلافات دو کشور بر سر منابع آب نبوده و از این رو در سال ۱۹۶۰ معاهده ای در این زمینه به امضاء دو کشور رسید. سرزمین پاکستان به لحاظ طبیعی و توپوگرافی به چهار منطقه متمایز تقسیم می شود. دو قسمت کوهستانی در شمال (کوه های مرتفع هیمالیا) و شمال غرب (سلسله جبال هندوکش) و یک جلگه حاصل خیز (پنجاب) و یک منطقه ساحلی در جنوب که به دلیل بستر کم عمق دریا از موقعیت مناسبی برخوردار نیست (قالیباف ۱۳۷۶).

اقلیم پاکستان نیز متأثر از این وضعیت است، به گونه ای که از دریای عمان تا شمال ارتفاعات هیمالیا تنوع آب و هوایی را شاهد هستیم. از یک سو پاکستان در معرض ناحیه گرم دریای عرب و دریای عمان قرار داشته و بر اثر آن یک ناحیه خشک و بری در غرب پاکستان شکل گرفته و از سوی دیگر در نقاط مرتفع شمال و شمال غرب اقلیم معتدل حاکم بوده و در جنوب این کشور یک منطقه شرجی بوجود آمده است. به طور کلی به جز

^۱ - Himalaya

^۲ - K-2

دامنه های جنوبی هیمالیا و مناطق کوهستانی آن، پاکستان یک منطقه بری است و در اغلب مناطق ریزش باران بسیار کم و زودگذر است (آخوند فرجی، ۱۳۶۵، ۱۰۹).

ساختار اجتماعی - مذهبی

طبق آخرین سرشماری در سال ۲۰۰۰ جمعیت پاکستان حدود ۱۶۱/۳ میلیون نفر تخمین زده شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰). از این تعداد ۴۶ درصد را افراد زیر پانزده سال تشکیل داده و نرخ رشد جمعیت در این کشور سه درصد است که بالاترین نرخ رشد در آسیا به شمار می رود. جوانی جمعیت اگر چه به لحاظ دفاعی - امنیتی موقعیت مناسبی برای بسیج نیرو در اختیار حکومت ها قرار می دهد، اما رشد بی رویه جمعیت در شرایطی که پاکستان از فراهم نمودن مایحتاج اولیه بسیاری از مردم ناتوان است، می تواند امنیت اجتماعی این کشور را تهدید کند.

مهاجرت های غیر قانونی، یکی از مهمترین مشکلات پاکستان است، چرا که پس از استقلال این کشور سیل مهاجرین مسلمان از سایر نقاط هند به سوی این کشور سرازیر گردید و در اثر جنگ های داخلی افغانستان نیز حدود ۳ میلیون افغانی به این کشور پناهنده شدند. کشور پاکستان به نام دین اسلام و کشور خاص مسلمانان شبه قاره هند اعلام استقلال نمود، از اینرو مذهب نقش بسزایی در این کشور ایفا می کند. ۹۸ درصد جمعیت این کشور مسلمان و عمدتاً پیرو مسلک های حنفی و شافعی است. با این حال پاکستان از معدود کشورهایی است که جز دین مشترک آن، هیچ یک از عناصر تشکیل دهنده "دولت - ملت" Nation-State را در محدوده سرزمینی دارا نبوده و سعی دولت پاکستان برای استفاده از عامل مذهب به منظور همگرایی گروه ها و فرقه های مختلف مذهبی بی نتیجه مانده و تاریخ این کشور با درگیری های قومی و مذهبی پیوند خورده است. درگیری های خونین بین مسلمانان با هندوها و در برخی موارد درگیری بین فرق مختلف مسلمانان بایکدیگر از نکات قابل توجه در این زمینه است. تعداد شیعیان در پاکستان نیز حدود ۲۷ تا ۳۵ میلیون نفر برآورد می شود، هر چند ارائه آمار واقعی مشکل است، چرا که پاکستان دولت سنی است و به دلایل روشن در صدد است تا جامعه شیعی را در اقلیت نگاه دارد. شیعیان از ابتدای حضورشان در شبه قاره هند همواره مورد تعرض هندوها بوده اند و در سال های اخیر از طرف حرکت های افراطی وهابیون مورد هجوم دشمنانه قرار می گیرند. فرانسواتوال^۲ ژئوپولیتیسین فرانسوی معتقد است: الگوی شیعیان پاکستان و هند نشانگر آن است که برای یک جامعه شیعی (هر کجا که باشد) به محض آن که در مجاورت یک اکثریت سنی قرار گرفت، زندگی کردن حقیقتاً دشوار است (توال، ۱۳۷۹، ۷۹).

وهابیت. از عوامل مؤثر در عدم شکل گیری اتحاد بین کشورهای اسلامی، ایجاد گسل های ایجاد شده در بین مسلمانان است که از آن به عنوان "ژئوپلیتیک مذهبی"^۳ یاد می شود. از دیر باز، دین و مذهب از عوامل مهم

۳- بنابه اظهار استاد ارجمند سرکار خانم دکتر میرحیدر، مقرر شده از این پس دانشواژه "حکومت ملت پایه" جایگزین مفهوم سابق دولت ملی یا دولت-ملت در ادبیات جغرافیای سیاسی گردد. (حیدری، ۱۳۸۴، ۷۲).

^۲ Francois Tual

^۳ Geo-religion

چالش در شبه قاره هند و مورد توجه قدرت‌های سلطه طلب بوده است. تولید و تبلیغ مذاهب و عقاید خود ساخته و ترویج آن در بین مسلمانان سیاستی بود که می‌توانست از شکل‌گیری اتحاد در بین مسلمانان جلوگیری نماید، به گونه‌ای که هر فرقه خود را مسلمان ناب دانسته و دیگران را مرتد، کافر و واجب‌القتل (مهدورالدم) پندارد (بیگلری، ۱۳۸۱، ۱۲۵). وهابیت از جمله این دین‌های ساختگی است که با ترویج عقاید خاص، در قلب جهان اسلام (عربستان سعودی) شکل گرفته و در حال حاضر به عنوان مهمترین چالش مذهبی در میان کشورهای اسلامی مطرح می‌باشد. این تشکیلات از سال ۱۹۵۰م به طور رسمی ایجاد و با اقدامات گسترده و مورد حمایت انگلیس به ساخت مساجد و مدارس بزرگ علمیه در اغلب کشورهای جهان و از جمله پاکستان پرداخت. اعزام مبلغان وهابی به مراکز اسلامی، دعوت از اساتید و شخصیت‌های مذهبی جهت مسافرت به عربستان و اعطای بورس تحصیلی، کمک‌های مالی، تبلیغ در موسم حج و توزیع گسترده کتب و نشریات تبلیغی بر علیه شیعه از جمله مهمترین اقدامات این فرقه است. در حال حاضر اکثر ائمه جماعات مساجد پاکستان توسط مدارس علمیه عربستان تأمین می‌گردد. فرقه "دیوبندی" جزء مذهب حنفی و از دسته وهابیت، تنها ۲۵٪ جمعیت اهل تسنن پاکستان را تشکیل می‌دهند، اما در برابر اکثریت اهل تسنن (و شیعیان) مخالف وهابیت، از قدرت سازماندهی و مالی چشمگیری برخوردارند. سه محور عمده فعالیت مبارزاتی این فرقه عبارتند از:

- ۱- پاکستان باید یک کشور کاملاً سنی باشد؛
- ۲- شیعیان چون مسلمان نیستند بایستی یک اقلیت محسوب گردند؛
- ۳- پاکستان باید کلیه روابط سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشور شیعه قطع کند.

در همین راستا، شرط اولیه عضوگیری و ورود به سپاه صحابه (بازوی نظامی وهابیت پاکستان) ترور یک تا سه نفر شیعه می‌باشد (بیگلری، ۱۳۸۱، ۳۵). از دیگر چالش‌های فرا روی کشور پاکستان در زمینه‌های اجتماعی می‌توان به رواج مواد مخدر در بین جوانان این کشور، تروریسم با منشاء قومی و قبیله‌ای، مهاجرت‌های غیر قانونی وسیع از سوی مهاجران افغان و شکل‌گیری زمینه‌های واگرایی از سوی قوم پشتون نام برد.

ساختار دفاعی - نظامی

شروع جنگ پاکستان و هند بر سر مسئله کشمیر در سال‌های نخست استقلال این کشور موجب شکل‌گیری نیروهای مسلح به عنوان یکی از نخستین نهادهای ملی در پاکستان گردید و تداوم این تخاصم و تهدیداتی که پاکستان از جانب هند احساس می‌کرد، باعث گسترش نهادهای نظامی، دفاعی و امنیتی و بسط نفوذ آن‌ها در ساختار حکومتی شد و در واقع از سال ۱۹۴۷ به بعد ارتش خود را مهمترین عامل در بقای کشور و رفع تهدیدات هند تلقی می‌نمود و تداوم این وضعیت طی ۵ دهه، این روند را تبدیل به احساس تاریخی و هویت ویژه برای نیروهای مسلح کرده است. ارتش در بین مردم دارای جایگاه ویژه‌ای است و نیروهای مسلح از قدرت سازماندهی و انسجام سازمانی بیشتری نسبت به سایر نهادها و سازمان‌ها برخوردار بوده و نقش مؤثرتری در تحولات داخلی و خارجی کشور ایفا می‌کند. ساختار فرماندهی ارتش پاکستان متأثر از الگوی انگلیسی است.

نیروی زمینی پاکستان با دارا بودن ۵۵۰ هزار نفر از ۶۲۰ هزار نفر نیروی ارتش، مهمترین بخش نیروهای مسلح پاکستان محسوب شده و نیروی دریایی پاکستان یکی از قدرتمندترین نیروهای دریایی در منطقه است، اما به دلیل عدم وجود ناو هواپیمابر در ساختار ارتش پاکستان، این کشور در مقایسه با هند که در این رابطه از سطح مطلوبی برخوردار است، دچار ضعف اساسی می باشد.

تجهیزات نیروی هوایی پاکستان عمدتاً بر سیستم های غربی (آمریکا) و اروپایی (به ویژه فرانسه) متکی است و این کشور با در اختیار داشتن حدود ۳۶۶ فروند هواپیمای جنگنده که عمدتاً در پایگاه های پیشاور، بوگودا و فیصل مستقر می باشند، از توانمندی نسبتاً خوب هوایی برخوردار است، ضمن این که بخش قابل توجهی از ساختار تجهیزات هوایی این کشور به چین متکی بوده و پاکستان با گرایش به سمت چین سعی در رفع نیازهای خود از این کشور را دارد. این در حالی است که چینی ها در سازماندهی ساختار اولیه نیروی هوایی پاکستان نیز نقش اساسی داشته و جنگنده های دریافتی از چین نقش مهمی در نبردهای این کشور با هند در سال ۱۹۷۱ ایفا نموده است (اردستانی، ۱۳۸۳، ۵۰۲-۴۹۶). از جزئیات دیگر دکرترین نظامی اعلام نشده پاکستان، تلاش این کشور برای برطرف نمودن ضعف خود در فقدان عمق استراتژیک مناسب است. دستیابی پاکستان به قدرت و توان هسته ای نیز از سال ۱۹۷۲ و با همکاری چین آغاز شده و امروزه کشور پاکستان در زمره کشورهای هسته ای (خارج از معاهده N.P.T) قرار دارد.

ساختار فرهنگی

فرهنگ را می توان به عنوان میراث اجتماعی جامعه به حساب آورد. این میراث نه تنها شامل تمام کالاها و ابداعات مادی، بلکه تولیدات فکری و روحی مانند عقاید، ارزش ها، باورها و تمایلات را نیز در بر می گیرد (مویر، ۱۳۷۹، ۳۲). ساختار فرهنگی هر جامعه یکی از مؤلفه های مهم در شکل گیری قدرت ملی محسوب می گردد. ساختار فرهنگی و آموزشی پاکستان همانند سایر کشورهای تحت استعمار ساختاری دو گانه است، از یک سو برخی از نهادها مبتنی بر عقاید، آداب و رسوم فرهنگ بومی است و از سوی دیگر برخی از نهادها، هنجارها و آداب و رسوم به جای مانده از دوران استعمار و یا ارتباطات بعد از آن می باشد.

نرخ بی سوادی در پاکستان در سال ۱۹۹۵ حدود ۴۰ درصد بود و این کشور از جمله کشورهایی است که یونسکو اجرای برنامه های ویژه اساسی مبارزه با بی سوادی در آن ها را ضروری تشخیص داده است. نکته حائز اهمیت در نظام آموزشی پاکستان، نقش غیر قابل چشم پوشی علما و مدارس دینی در سراسر کشور و جایگاه انحصاری آن ها در برخی مناطق می باشد. علما که در پاکستان "مولوی" نامیده می شوند، نه تنها در مقوله آموزشی و سواد آموزی، بلکه در ساختار فرهنگی - اجتماعی و سیاسی (و طی دو دهه اخیر در حوز دفاعی - امنیتی) دارای کارکرد ویژه و منحصر به فرد بوده اند و بدون توجه به نقش آن ها، شناخت ساختار فرهنگی - اجتماعی پاکستان و رابطه آن با حوزه دفاعی - امنیتی این کشور ممکن نیست. در این رابطه کشور عربستان سعودی با حمایت های وسیع مالی و در راستای تقابل با افکار اسلام سیاسی و مورد حمایت جمهوری اسلامی

ایران نقش عمده ای در سازماندهی این مدارس ایفا نموده و سران طالبان و القاعده از تحصیل کردگان این مدارس می باشند.

در مباحث مربوط به ژئوپولیتیک، توجه به "افکار عمومی" امری اجتناب ناپذیر است، تا آنجا که علت اساسی اطلاق واژه ژئوپولیتیک به منازعات و تقابل‌های عصر حاضر به دلیل وجود دموکراسی و توجه به افکار عمومی می باشد (ایولاکست ۱۳۷۸، ۲۰). در پاکستان رسانه‌های گروهی یکی از قدرتمندترین نهادهای فرهنگی هستند که به رغم تغییر و تحولات سیاسی در سطح دولت‌ها و رقابت دولت‌های نظامی و غیر نظامی، قدرت خود را به عنوان یک اهرم تأثیر گذار در سیاست‌های داخلی و خارجی پاکستان حفظ کرده اند. روزنامه‌ها علاوه بر کارکرد فرهنگی دارای نقش ویژه دفاعی - امنیتی در شکل دهی به افکار عمومی نسبت به دولت‌ها و سیاست‌های خارجی می باشند. بر خلاف رادیو که از سطح پوشش قابل ملاحظه‌ای در این کشور برخوردار است، تلویزیون و ماهواره از نقاط ضعف فرهنگی پاکستان به شمار می روند. فضای حاکم بر برنامه‌های تلویزیونی این کشور تحت تأثیر برنامه‌های آمریکایی، اروپایی و هندی است که هر یک از آن‌ها می تواند منشاء آسیب پذیری اجتماعی و حتی دفاعی - امنیتی باشد.

ساختار اقتصادی

در اواسط دهه ۱۹۶۰م پاکستان یکی از موفق‌ترین اقتصادها را در جهان در حال توسعه دارا بود. در آن زمان این کشور بالاترین نرخ رشد صادرات را در جنوب آسیا داشت، اما به واسطه بی ثباتی سیاسی، اعمال سیاست‌های نادرست اقتصادی و درگیری مداوم با هند، در حال حاضر رشد اقتصادی آن حتی از بنگلادش هم کمتر شده است. پاکستان کشوری کشاورزی محور است و در مجموع بیش از ۷۰ درصد از کل جمعیت پاکستان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه اقتصاد کشاورزی فعال هستند. از جمله نکات حائز اهمیت در این رابطه، حضور بخش عظیمی از نیروهای مسلح (به ویژه افسران ارشد ارتش) در این فعالیت است و مقر لشکرهای عمده ارتش نیز در مناطق کشاورز نشین پنجاب (قطب کشاورزی پاکستان) واقع شده است.

صادرات کالاهای کشاورزی مهمترین منبع درآمد ارزی کشور به شمار می رود و عمده ترین این محصولات عبارتند از گندم، پنبه، نیشکر، برنج و ذرت. برنج علاوه بر این که از نظر تأمین مایحتاج غذایی مردم دارای نقش حیاتی و غیر قابل چشم پوشی است، یک منبع مهم تحصیل ارز به شمار می رود. ایران یکی از وارد کنندگان برنج پاکستان است، اما عدم صدور این محصول به ایران در مواقع بحرانی نمی تواند به عنوان یک اهرم فشار از سوی پاکستان بکار رود، زیرا هم ایران قدرت جایگزینی واردات را دارد و هم برنج پاکستان سهم جدی از بازار مصرف برنج ایران را دارا نیست.

یکی از وابسته ترین حوزه‌های اقتصادی پاکستان حوزه انرژی است. پاکستان بخش اعظم انرژی (نفت و گاز) مورد نیاز خود را از خارج کشور تأمین می کند و در این میان کشور عربستان سعودی مهمترین منبع تأمین انرژی این کشور می باشد. این موضوع علاوه بر آن که یک معضل اقتصادی است، یک چالش جدی و نوعی

آسیب پذیری برای پاکستان به شمار می رود. پاکستان برای تأمین انرژی نه از منابع کافی داخلی برخوردار، و نه به منابع با ثبات و مطمئن در خارج از کشور دسترسی دارد (آخوندی فرجی، ۱۳۶۵، ۱۱۵).

آب، گاز و نفت، سه منبع اصلی تأمین انرژی پاکستان، هیچیک در وضع مناسب و مطلوبی قرار ندارند. شرکت های نفتی خارجی و به ویژه شرکت های آمریکایی و انگلیسی از فعالان حوزه اکتشاف و استخراج نفت در پاکستان محسوب می شوند و در سال های اخیر ایران نیز با سرمایه گذاری بر روی صدور مهندسی فنی و از جمله تأسیس پالایشگاه در پاکستان به یک بازیگر خارجی موثر در این حوزه تبدیل شده است. خرید گاز ایران نیز به دلیل چالش این کشور با هند و اقدامات مداخله جویانه ایالات متحده امریکا هنوز وارد مرحله اجرایی نشده است، چراکه ایران تنها در صورتی حاضر به تخفیف بهای گاز صادراتی به پاکستان است که این کشور اجازه دهد تا خط لوله گاز ایران تا هند امتداد یابد.

ساختار و موقعیت ژئواستراتژیک^۱ پاکستان

مجموعه مقاصد کلی استراتژیک، وسعتی از فضا را در بر می گیرد که صحنه عملیات نامیده می شود و ابعاد آن بر حسب وسعت نظریه استراتژیک متفاوت است. با توجه به استراتژی های "بری" و "بحری"، سه صحنه عملیات وجود دارد که عبارتند از: ۱- صحنه عملیاتی اقیانوس اطلس ۲- صحنه عملیاتی اقیانوس آرام (کبیر) ۳- صحنه عملیاتی اقیانوس منجمد شمالی.

هر صحنه عملیاتی دارای شاخک هایی است که نقش ژئواستراتژیک می باشد و نکته مهم این است که برای شروع جنگ، نقاط بحرانی از همین شاخک ها آغاز می شود. این شاخک های عملیاتی برای صحنه عملیاتی اقیانوس آرام که پاکستان هم در مجموعه آن قرار دارد شامل خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ است که خلیج فارس و دریای عمان در این بین نقش مهم تری داشته و ایران و پاکستان به عنوان مراکز ثقل این صحنه های عملیاتی مطرح هستند (عزتی، ۱۳۷۳، ۱۰). پاکستان در صحنه عملیاتی اقیانوس آرام در قلمرو جغرافیایی یکی از معبرهای استراتژیک آسیا است. این معبر استراتژیک از گردنه های هیمالیا به سمت رودخانه سند در غرب است و قسمت اعظم آن در کنترل پاکستان می باشد. بنابراین در طرح ریزی نیروهای استراتژیک به منظور پدافند از جنوب آسیا این واقعیت ژئواستراتژیک باید مد نظر قرار گیرد (بیگلری، ۱۳۸۱، ۱۸۵).

ژئوپلیتیک انرژی و خط لوله صلح. کشورهای جنوب آسیا مانند هند و پاکستان با داشتن منابع اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی، در زمره بازارهای هدف ایران به شمار می رود. بررسی و گفتگوها پیرامون راه اندازی خط لوله گاز ایران - پاکستان از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است. پروژه ساخت خط لوله ایران - پاکستان - هند در سال ۱۹۹۴ مطرح شد. بر پایه این طرح، خط لوله گاز ایران به هند از راه خشکی ۲۷۷۵ کیلومتر قرار دارد که ۱۱۵ کیلومتر آن در خاک ایران، ۷۶۰ کیلومتر در پاکستان و ۹۰۰ کیلومتر در خاک هند قرار دارد.

ساخت این خط لوله نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار از هزینه سالانه انرژی هند می کاهد و بیش از ۶۰۰ میلیون دلار ارز نیز نصیب پاکستان خواهد نمود. این پروژه در سایه تنش میان هند و پاکستان و نگرانی مقام های هندی

^۱- Geostrategic

از امنیت این خط لوله و عواملی دیگر تا کنون اجرا نشده است. ایران و پاکستان برای ساخت خط لوله انتقال گاز طبیعی از حوزه گازی پارس جنوبی به کراچی موافقتنامه مقدماتی امضاء کردند و پس از مدتی ایران ادامه پیدا کردن این خط لوله به هند را نیز پیشنهاد نمود. با این پیشنهاد پاکستان می‌تواند از گاز ایران بهره‌گیر و همچنین از انتقال آن به هند سود ببرد. در آغاز، دولت هند با توجه به اختلاف دیرینه میان دو کشور چندان رغبتی به این پروژه نشان نداد، اما از ساخت یک خط لوله زیر دریایی که می‌تواند امنیت بیشتری داشته باشد، استقبال کرد.

از سال ۱۹۹۵ م. سه کشور ایران، پاکستان و هند مذاکرات مربوط به احداث این خط لوله را آغاز کرده و مقامات رسمی این سه کشور گفتگوهای خود درباره مسیرهای ممکن، روش‌های گوناگون و مسائل جغرافیایی سیاسی خط لوله گاز طبیعی ایران به هند که نشانگر ایجاد تغییرات عمده در سیاست‌های منطقه‌ای این دولت‌ها بود را پیگیری نمودند. سود توسعه بالقوه اقتصاد گاز طبیعی، سه دولت ایران، هند و پاکستان را وادار می‌کند تا استراتژی خود را در زمینه اختلاف‌های منطقه‌ای مانند کشمیر، افغانستان و مسائل امنیت ملی مورد بازمی‌نظر قرار دهند. همچنین، همکاری‌های بالقوه اقتصادی و منافع آن ممکن است به تغییر روند گفتگوهای سیاسی و اجتماعی بیانجامد و سرانجام رفع اختلاف‌های منطقه‌ای را در پی داشته باشد. صدور گاز طبیعی ایران به هند از راه پاکستان می‌تواند زمینه دگرگونی سیاست‌های منطقه‌ای در آسیای جنوبی را فراهم آورد. دولت هند در مورد امنیت عرضه گاز طبیعی از راه خط لوله نگران سیاست‌های پاکستان است، از اینرو بازرگانی و جهانی شدن اقتصاد می‌تواند همچون ابزاری در حل اختلاف‌های منطقه‌ای و بین منطقه‌ای نقش مثبت بازی کند. تجارت گاز طبیعی میان هند- ایران و پاکستان با در نظر گرفتن واقعیت‌های جغرافیایی سیاسی - تاریخی و استراتژیک دو کشور می‌تواند به کل خاورمیانه و آسیای شرقی چشمگیر گذارد (بهروزی فر، ۱۳۸۵، ۱۹۲). برای ساخت خط لوله انتقال گاز طبیعی ایران از راه پاکستان به هند می‌توان مزایای زیادی برشمرد، اما مهمترین آن‌ها عبارتند از:

- این طرح ضمن ارزآوری برای ایران به مقاصد صادراتی گاز این کشور تنوع می‌بخشد.
- اجرای این پروژه به منابع تأمین انرژی پاکستان تنوع چشمگیر بخشیده و راهکار مناسبی برای تأمین انرژی در درازمدت در اختیار این کشور قرار می‌دهد. دریافت حق ترانزیت نیز برای انتقال گاز در این پروژه منبع درآمد تازه‌ای برای دولت پاکستان خواهد بود.
- فارغ از سود ناشی از حق ترانزیت، مزایای اجرای این پروژه برای هند همانند پاکستان است، اما نیاز این کشور به گاز طبیعی بسی بیشتر از پاکستان است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی هند، اجرای این طرح مزیت‌های تاریخی بسیاری در بر دارد که یکی از آن‌ها توافقی است که میان هند و پاکستان صورت می‌گیرد.
- گرد آمدن سه کشور در کنار یکدیگر و در چارچوب انتقال گاز طبیعی باعث افزایش همبستگی و ایجاد همگرایی این کشورها شده و بستر مناسبی برای همکاری در دیگر زمینه‌ها ایجاد خواهد نمود.
- این بازی منطقه‌ای با کاهش مخاطرات سیاسی، در پی پیوند زدن منافع ملی کشورها به یکدیگر باعث ثبات سیاسی و اقتصادی در منطقه خواهد شد.

- کاهش مخاطرات سیاسی و اقتصادی، زمینه ای برای کاهش ریسک سرمایه گذاری در کشورهای منطقه خواهد شد.

- این همکاری، نیازمند کشیدن خط لوله گاز با توسعه خط لوله موجود است، بنابراین زمینه مناسبی برای سرمایه گذاری های تازه و جذب سرمایه خارجی و در نتیجه گرایش قدرت های جهانی به ایجاد ثبات در این منطقه خواهد بود.

- همکاری منطقه ای و جذب سرمایه خارجی به شکوفایی اقتصادی منطقه کمک خواهد کرد.

محدودیت های سرزمینی. عدم وجود توازن نسبی در طول و عرض جغرافیایی کشور پاکستان و فقدان عمق استراتژیک برای این کشور از جمله تنگناهای ژئوپلیتیکی پاکستان محسوب می شود. علاوه بر آن، عدم وجود سواحل عمیق در جنوب کشور و عدم امکان بهره گیری از بنادر مناسب باعث اتکاء کامل این کشور به بندر کراچی شده است که این بندر نیز در یک نبرد احتمالی به راحتی قابل محاصره شدن می باشد. به طور کلی پاکستان در کنار تمامی دغدغه های ژئوپلیتیکی خود با تنگنای تک دالان بودن ارتباط این کشور از طریق بندر کراچی با دنیای خارج از خود مواجه می باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ۶۹).

تأثیر ویژگی های ژئوپلیتیکی پاکستان بر روابط با همسایگان

روابط پاکستان - هند

چنین به نظر می رسد که در سیستم جهان تک قطبی بعد از جنگ سرد،^۱ هند تصمیم گرفت تا در کنار امریکا به عنوان تنها ابرقدرت مدعی رهبری جهان قرار گیرد (گلوواک، ۱۹۹۹، ۳-۲). رهبران هند بر این باورند که وقتی متحد دیرین آن ها (اتحاد جماهیر شوروی) مضمحل شده، لذا دلیلی برای ادامه سیاست های قبلی وجود ندارد. دست اندرکاران سیاست خارجی هند تلاش دارند تا بنیان های جدیدی برای اجرای این سیاست طراحی و زمینه مشارکت استراتژیک را با ایالات متحده فراهم سازند. وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و حوادث بعد از آن فرصتی را فراهم ساخت تا دولت مردان هند برای دستیابی به اهداف خود در پیشدستی پاکستان به عنوان شریک و یار خط مقدم امریکا در تعقیب جنگ علیه تروریسم، هند را تا حد زیادی در موضع انفعال قرار داد، زیرا که سیاست هند بر این اصل استوار بود تا با همکاری با ایالات متحده و به ویژه همکاری نظامی در افغانستان، به پاکستان و چین ضربه اساسی وارد کند ولی دولت پرویز مشرف در مسابقه همکاری با امریکا گوی سبقت را از رقیب دیرینش ربود و تا جایی پیش رفت که طالبان و القاعده، یعنی همان گروه های افراطی دست نشانده که با سازماندهی این کشور و حمایت های مالی عربستان سعودی و امارات متحده به منظور اجرای سیاست های مورد نظر کشورهای مزبور و مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه (و به ویژه افغانستان) ایجاد کرده بود را رها کند. اما با همه این اوصاف، امریکا با اجرای سیاست های بعدی خود نشان داد که ارزش استراتژیک بیشتری برای هند نسبت به پاکستان قابل است. یکی از زمینه های همیشگی چالش در روابط پاکستان و هند موضوع کشمیر بوده است که

تاکنون منجر به سه جنگ تمام عیار نظامی بین دو کشور شده است. در خصوص اهمیت کشمیر می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- موقعیت ممتاز ژئواستراتژیکی کشمیر و قرار گرفتن در قلب آسیا و در میان کشورهای چین، هند و پاکستان؛
- سرچشمه گرفتن پنج رودخانه بزرگ پاکستان از کشمیر؛
- قرار داشتن شاهراه ارتباطی - نظامی قراقرم در کشمیر؛
- وجود ارتفاعات شمال کشمیر به مثابه سنگر مستحکمی در دفاع از هند.

کارشناسان نظامی معتقدند هر قدرتی که بتواند بر کشمیر تسلط یابد به این توانایی خواهد رسید که بر تمامی هند سلطه یابد (رضوی، ۱۳۶۷، ۱۴). در سال‌های اخیر سیاست‌های امریکادر قبال کشمیر، مدیریت این بحران و حل مشکل از طریق گفتگوهای مسالمت آمیز بوده است

از طرفی، موضع هند در نحوه تعامل با کشورهای عرب و مسلمان در مواجهه با پاکستان نیز قابل توجه است. خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک^۱ آن برای هند بسیار حائز اهمیت است. تعامل دیرینه هند با این منطقه و مرکزیت این منطقه در جهان اسلام، باعث در اولویت قرار گرفتن اهمیت این منطقه برای هند شده است. کشورهای منطقه خلیج فارس حدود ۱۵ درصد تجارت هند را تشکیل می‌دهند و هند حدود ۷۵ درصد از نیاز خود به انرژی را از این منطقه تأمین می‌کند (کاظم پور اردبیلی، ۱۳۸۵، ۷۸) و حدود ۲/۵ میلیون هندی در این منطقه مشغول به کار می‌باشند و وجوه ارسالی آن‌ها بخش مهمی از درآمد هند را تشکیل می‌دهد.

هند و پاکستان با تقاضای روزافزون انرژی مواجه هستند و در این میان دسترسی به منابع انرژی ایران مورد توجه جدی هر دو کشور است. خط لوله صدور گاز ایران به پاکستان و در ادامه آن تا هند، تا رسیدن به مرحله اجرایی آن فاصله زیادی دارد و بی‌گمان از آنجا که بر ژئوپلیتیک نفتی ایالات متحده امریکا تأثیر گذار است، مورد توجه جدی آن کشور خواهد بود.

روابط ایران - پاکستان

ایران پس از اعلام استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷م، اولین کشوری بود که استقلال آن را به رسمیت شناخت و شاه ایران اولین رئیس کشوری بود که به پاکستان سفر نمود. این دو کشور به لحاظ موقعیت استراتژیکی در گذشته در سیاست "سد نفوذ"^۲ غرب در مقابل شرق بکار گرفته شدند و هر دو کشور در سال ۱۹۵۵م عضو پیمان بغداد (ستو) شده و در سال ۱۹۶۵م در جنگ بین پاکستان و هند، ایران از هر گونه کمک به پاکستان دریغ نکرد. در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پاکستان در تحریم غرب علیه ایران شرکت نکرد و در جریان جنگ عراق و ایران موضع بیطرفانه اتخاذ نمود و بندر کراچی در زمان جنگ برای تخلیه بار در اختیار ایران بود. اما در دهه اخیر، نزدیکی آشکار پاکستان به ایالات متحده امریکا، افزایش حمایت‌های گسترده مالی عربستان،

^۱ Geoeconomic

^۲ - Containment

امارات (و بعضاً عمان) در تقابل ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی ایران و نهایتاً رقابت دو کشور در صحنه افغانستان، موجب کاهش سطح روابط طرفین شده است. در حال حاضر عوامل چالش در جغرافیای سیاسی ایران و پاکستان عبارتند از:

الف- عوامل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک. زمانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزش های اساسی دولت- ملت به فضاهای جغرافیایی و سیاست ملل دیگر پیوند خورد، منابع ژئوپلیتیک مشاجره شکل خواهد گرفت. در واقع آنجا که سیاست خارجی ملت ها و یا استراتژی های نظامی آن ها تحت تأثیر محیط و فضای جغرافیایی، به ویژه موقعیت نسبی است، مسایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک شکل می گیرند، چنانکه ژئوپلیتیک را سیاست برگرفته از جغرافیا یا زمین تعریف کرده اند (کریمی پور، ۱۳۷۱، ۳۵). بر این اساس منابع چالش دو کشور در این عرصه عبارتند از:

۱- حضور نظامی ایالات متحده در پاکستان. منافع متضاد دو کشور امریکا و ایران در منطقه و ایفای نقش پاکستان به عنوان میزبان و عقبه لجستیک ارتش امریکا در صحنه افغانستان از عوامل عمده چالش در روابط دو کشور ارزیابی می شود، گرچه مقامات پاکستانی بارها اعلام و تأکید نموده اند که به هیچ وجه سرزمین این کشور در اجرای عملیات بر علیه جمهوری اسلامی ایران بکار نخواهد رفت، اما همواره پتانسیل ایجاد تنش در روابط (تا شکل بحران های عمیق) وجود خواهد داشت.

۲- کارکرد مرزی. گرچه مرز ۸۹۱ کیلومتری ایران و پاکستان از نظر تهدید استراتژیک "امن" محسوب می شود، اما از منظر کارکردهای مرزی، نقش موثری در تقویت نیروهای واگرا^۱ داشته و در زمره مرزهای بد و بسیار نا امن برای دو کشور (به ویژه ج.ا.ا) محسوب می گردد، به نحوی که می توان از آن به عنوان "مناطق شکننده"^۲ یاد کرد. مرز دو کشور از طرف پاکستان کاملاً رها شده و دولت پاکستان در آنجا هیچگونه اعمال حاکمیتی ندارد. از اینرو زمینه های فراوان عملکردهای منفی مهیا می باشد. عملکرد بسیار نامطلوب این مرز ریشه در تکوین تاریخی آن دارد. این مرز از نظر جدا سازی قوم بلوچ و توزیع و پراکندگی آن از جمله "مرزهای تحمیلی" محسوب می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ۴۵). برخی از تهدیدهای مرزی ایران و پاکستان که عمدتاً تحت تأثیر قاچاق مواد مخدر شکل گرفته عبارتند از: ۲/۱- جنبه های امنیتی. شامل درگیری های مرزی با قاچاقچیان و اشرار - قاچاق مواد مخدر، سلاح و تجهیزات جاسوسی، ورود جاسوسان، شکل گیری گروهک های کوچک تجزیه طلب، ناامنی مرزی با منشاء تحرکات فرامرزی، چالش مستمر و تضعیف حاکمیت مرکزی. ۲/۲- جنبه های سیاسی. شامل کاهش وفاداری مرزنشینان به هویت ملی، تردهای غیر مجاز و تضعیف اقتدار حاکمیت- آسیب به اجرای طرح آمایش سرزمین (ساماندهی جغرافیا و جمعیت). ۲/۳- جنبه های اجتماعی. شامل آلودگی اجتماعی حاصل از اعتیاد به مواد مخدر و رواج قاچاق آن، شکسته شدن حرمت قاچاق، آلودگی مامورین حکومتی در همجواری و مجاورت مناطق آلوده (هم به لحاظ اعتیاد و هم سایر آلودگی ها)، ایجاد شکاف اجتماعی میان اقشار

¹ Centrifugal Force

² Shatter zones

مختلف، رونق گرفتن روابط قومی و قبیله‌ای (قبیله‌گرایی)^۱ و فساد اداری ۲/۴ - جنبه‌های اقتصادی. شامل جایگزینی قاچاق مواد مخدر به جای فعالیت‌های مثبت اقتصادی و مقرون به صرفه نبودن فعالیت‌های اقتصادی، افزایش هزینه‌های ناشی از کنترل مرزها، تحت الشعاع واقع شدن فعالیتهای اقتصادی در اثر حجم انبوه قاچاق، بهره‌گیری گروه‌های محارب و معاند از عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر به عنوان پشتوانه مالی قوی برای فعالیت‌های خود، فرار سرمایه از کشور، ناامن بودن فضا برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی.

۳- گسست فضایی: جدا بودن قطب‌های اصلی سیاسی - اقتصادی و جمعیتی دو کشور از لحاظ گسستگی عمیق فضاهای سرزمینی در اثر وجود بیابان‌ها، کویرها و قلمروهای کم تراکم جمعیتی که موجب کاهش سطح تعاملات کلان در اغلب بخش‌های اقتصادی و فرهنگی دو کشور شده است (بیگلری، ۱۳۸۱، ۱۶۱).

ب) عوامل فرهنگی (ژئوکالچر)^۲. بخشی از اختلافات همسایگان ناشی از رقابت یا تداخل دیرینه منابع و علایق فرهنگی است. این منابع مشاجره، در شمار منابع "ژئوکالچر" محسوب می‌شود. رقابت‌های دیرینه قومی، ملی گرایانه و تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی و گستراندن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه بخشی از این عملکرد است. گسترش دامنه نیروهای ایدئولوژیک در تعقیب مخالفان تا آن سوی مرز و کنترل ایدئولوژیک منطقه بخشی از نتایج رقابت‌های سیاسی - فرهنگی کشورهای همسایه به شمار می‌رود (کریمی پور، ۱۳۷۱، ۸۹). در این بخش نیز به برخی از چالش‌های رو در روی دو کشور در فضاهای فرهنگی اشاره می‌گردد.

۱- تضادهای ایدئولوژیک: تأثیر پذیری کامل کشور پاکستان از متغیر مذهب (فرقه و هابیت) و شکل‌گیری تضادهای عمیق ایدئولوژیک بین دو کشور، پتانسیل بالقوه‌ای را برای چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراهم نموده است. نمود عینی این تقابل در صحنه رویارویی میان طالبان و گروه‌های جهادی طرفدار ایران در کشور افغانستان کاملاً هویدا بود.

۲- تهدیدهای قومی: تأثیر پذیری مردم بلوچستان^۳ ایران از فرهنگ بلوچستان پاکستان با تحركات و القاءات فرا مرزی موجب کمرنگ شدن روحیه ملی و کاهش اقتدار مرکزی شده و زمینه‌های آن رو به گسترش است. به طور مثال، اگر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی پوشیدن لباس محلی بلوچ نوعی ارتجاع و عقب افتادگی محسوب می‌شد، اکنون این اقدام نه تنها رایج، که به یک ارزش اجتماعی تبدیل شده است. در حال حاضر با تبلیغات وسیع خارج از مرز (به ویژه از سوی عربستان سعودی، امارات متحده و عمان) و همچنین کم‌توجهی حاکمیت، زمینه‌های گرایش به فرهنگ آن سوی مرزها رو به افزایش است.

¹ - Tribalism

² Geo Culture

³ Baluchistan

۳- روابط پاکستان - افغانستان: قدرت گیری وهابیت در پاکستان منجر به ظهور گروه "طالبان" در افغانستان شد و در حقیقت این کشور احساس نمود با ترویج این عقاید علاوه بر ایجاد نوعی هویت ملی در پاکستان، به مقاصد توسعه طلبانه خود نیز نایل خواهد شد. به عبارتی، علاقه پاکستان به افغانستان در جهت ایجاد امنیت در آن کشور نیست، بلکه تنها در راستای به دست آوردن امتیازهای ژئوپلیتیکی برای آن کشور است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ۳۲۶). ساختار ژئواستراتژیک حوزه سرزمینی پاکستان نا متوازن است و تلاش این کشور برای رفع فقدان عمق استراتژیک بیشتر معطوف افغانستان بوده است و بر همین اساس بود که استراتژی پاکستان در بحران افغانستان بر محور تشکیل یک دولت دست نشانده قرار داشت، اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این شرایط توسط پرویز مشرف تغییر یافت. کنار گذاشتن طالبان نشان از تغییر استراتژیک پاکستان در عرصه تعاملات ژئوپلیتیکی منطقه و نوعی شکست در سیاست رو به جلوی پاکستان در ایجاد کشوری وابسته در افغانستان و افزایش قدرت در مقابل هند بود. گرچه رسماً "اسلام آباد از موقعیت قوی تر تاجیک ها در دولت کرزای راضی نیست، اما به طور رسمی از افغان های پشتون ناراضی در افغانستان حمایت نمی کند. در حال حاضر نیز برخی از مناطق مرزی پاکستان با افغانستان (جایی که کنترل دولتی ضعیف است)، عناصر طالبان توانسته اند پناهگاهی بدست آورده و در مناطق پشتون نشین جنوب و جنوب شرق افغانستان مشکل ایجاد نمایند.

افزایش حملات از مناطق قبیله ای نشین پاکستان باعث بدتر شدن وضعیت امنیتی افغانستان، تضعیف روزافزون بازسازی و ضعف بیشتر دولت کرزای در مناطق پشتون نشین شده است. از این نظر، مسئولین افغانستان دولت پاکستان را مقصر می دانند که نتوانسته اند از بکارگیری خاک کشورشان توسط طالبان برای حمله به افغانستان جلوگیری نمایند. در این خصوص نقش ایالات متحده به عنوان مداخله گر مستقیم در صحنه افغانستان و حامی سیاست های پاکستان، در برقراری تعادل ژئوپلیتیکی حایز اهمیت است.

روابط پاکستان - چین

بدون شک جهت گیری های سیاسی و امنیتی چین تأثیرات عمیقی بر نحوه شکل گیری ژئوپولیتیک جهانی در قرن بیست و یکم خواهد گذاشت، اما آنچه در این بخش از تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، همسایگی این کشور با پاکستان و نحوه تعامل دو کشور با یکدیگر و در عرصه رقابت قدرت های جهانی برای به دست گیری رهبری بلا منازع می باشد.

چین به ویژه در دوران جنگ سرد همواره به عنوان یک متحد سنتی و استراتژیک پاکستان مطرح بوده است، چرا که کشور چین در راستای اجرای سیاست های بازدارنده خود در منطقه و جلوگیری از برتری نظامی هند (به عنوان متحد استراتژیک اتحاد جماهیر شوروی سابق در منطقه)، به تقویت این کشور به ویژه در بعد فناوری هسته ای همت گماشت. اما تحولات پس از فروپاشی شوروی و اعمال سیاست یک جانبه گرایانه ایالات متحده امریکا موجب تحولات بعضاً عمیق در مناسبات استراتژیک کشورهای همسایه در منطقه گردید، چراکه امریکا همواره دغدغه خاطر خود را در بخش آسیای شرقی و نحوه مواجهه با چین می داند (برادسگوارد، ۲۰۰۲،

۲۰۵) برعکس افکار عمومی، عامل اصلی تهدید کننده هند، چین است و نه پاکستان، و نگرانی‌های هند درباره چین همچنان ذهن سیاستگذاران خارجی هند را مشغول ساخته است. حوادث منجر به جنگ مرزی سال ۱۹۶۲ م. و نیز حمایت شدید چین از شورشیان ناراضی هند در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هنوز بر روابط این دو کشور سایه افکنده و فراموش نشده است. همچنین اخیراً مقامات هندی نگرانی خود از علاقمندی چین برای ارایه تسلیحات و موشک‌های هسته‌ای به پاکستان را ابراز نموده‌اند. خودداری چین از حل و فصل اختلافات مرزی در هیمالیا و همچنین ادعاهای گسترش طلبانه آن در بخش شرقی مرزهای مورد اختلاف به عنوان عوامل چالشگر بالقوه بین مقامات دو کشور باقی مانده است (ایزد دوست، ۱۳۸۳، ۲۰۱). در حال حاضر مهمترین اهداف سیاست خارجی و امنیتی هند در تقابل با چین را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

الف) ایجاد بازدارندگی کارآمد هسته‌ای در مقابل چین؛

ب) قطع رابطه حمایت آمیز چین و پاکستان و جلوگیری از جریان ارسال تسلیحات استراتژیک از سوی چین به پاکستان؛

ج) جلوگیری از استیلای چین بر اقیانوس هند و شبه قاره.

روابط پاکستان- روسیه

تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رابطه هند و شوروی بر دو رکن اساسی "مهار چین" و "کاهش نفوذ غرب در منطقه" استوار شده بود. شوروی از جایگاه هند به عنوان رهبر جنبش عدم تعهد بهره‌جسته و هند نیز از کمک‌های اقتصادی و نظامی شوروی برای پیگیری اهداف منطقه‌ای خود و به ویژه مهار پاکستان استفاده می‌نمود. این رابطه زمانی بهم نزدیک و تقویت می‌شد که هر دو کشور پیوند و همکاری نزدیکی را بین چین و پاکستان (متحدین غرب در منطقه) به عنوان تهدید برای خود تلقی می‌کردند. با فروپاشی شوروی سابق و اقتصاد روسیه، علایق ژئوپولیتیکی این کشورها نیز دستخوش تغییرات اساسی شد. رویارویی چین و روسیه در تقابل با ظهور امریکا به عنوان تنها ابر قدرت جهانی به پیوندی استراتژیک تبدیل شده است و روسیه و چین در صدد تعمیق پیوندهای خود با پاکستان برآمدند.

هرچند پس از فروپاشی شوروی تمامی دولت‌های روسیه بر این نکته تأکید دارند که روسیه به تمام موافقت‌نامه‌های شوروی سابق پایبند می‌باشد، اما این موضوع نمی‌تواند این واقعیت را پنهان نماید که پیمان‌های هند و شوروی در موقعیتی که هند در رویارویی با دو کشور چین و پاکستان قرار دارد، دیگر تناسبی با استراتژی این کشور ندارد. با این وجود روسیه به رغم کاهش نقش بین‌المللی خود و به واسطه از دست ندادن فرصت‌های بیشتر، به عنوان بزرگترین منبع تأمین کننده تسلیحات هند باقی مانده است.

روابط پاکستان - آسیای مرکزی

پاکستان قبل از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، در چارچوب رقابت سنتی با هندوستان علایق ویژه‌ای را در افغانستان و این منطقه در نظر داشت که با اشغال افغانستان توسط شوروی وارد مرحله جدیدی شد. به دنبال

فروپاشی شوروی، پاکستان توسعه نفوذ خود را در آن منطقه هدف قرار داده ولی مسیر افغانستان و جنگ داخلی در این کشور امکان تأمین همین هدف را با دشواری جدی مواجه ساخت. توسعه همکاری های منطقه ای در چارچوب "سازمان اقتصادی اکو"^۱ در نخستین مرحله می توانست برای پاکستان و دیگر اعضای اکو (ایران و ترکیه) فضای لازم را برای گسترش همکاری های اقتصادی با این جمهوری ها فراهم آورد (کولایی، ۱۳۷۹، ۱۰۵).

در این چارچوب، توسعه زیر ساخت های ارتباطی به عنوان اولویت نخست مورد توجه قرار گرفت. پیوستن جمهوری های آسیای مرکزی، افغانستان و آذربایجان به سازمان همکاری و اقتصادی در نخستین سال پس از فروپاشی شوروی به خودی خود نشان از ماهیت به شدت سیاسی این سازمان بود که باید خود را از گرایش های سیاسی دور نگه می داشت. ولی چارچوب سازمان همکاری های اقتصادی (اکو) پاسخگوی نیازهای امنیتی - نظامی پاکستان نبود و در این زمینه تأمین امنیت در افغانستان برای هموار کردن مسیر دسترسی به جمهوری های آسیای مرکزی در اولویت استراتژیک این کشور قرار گرفت. نکته مهم این بود که جمهوری های آسیای مرکزی در خشکی محصور شده و برای دسترسی به بازارهای جهانی نیازمند مسیر ترانزیتی مناسب و با صرفه و امن بودند (کولایی، ۱۳۷۳، ۱۴۸).

بدون تردید کشوری که در همسایگی این جمهوری ها بتواند چنین نقشی را ایفا نماید از مزایای چشمگیری اقتصادی-سیاسی برخوردار می شود. رهبران پاکستان این جاذبه را فرا راه تنظیم سیاست ها و اقدامات خود در قبال این منطقه قرار داده اند، از اینرو تجهیز و تقویت "بندر گوادر" در کنار دریای عمان به طور جدی در دستور کار این کشور قرار گرفت.

نتیجه گیری

فروپاشی شوروی و حضور یکجانبه گرایانه ایالات متحده امریکا موجب تغییر علایق ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه از جمله پاکستان شده است. در این میان اتحادهای استراتژیک سنتی بین کشورها و قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای جای خود را به اتحادهای استراتژیک جدید داده است.

هند، پاکستان و افغانستان، پس از آن که در نیم قرن گذشته اغلب در حاشیه بوده اند، اکنون به عوامل مهمی در حفظ منافع امنیت ملی ایالات متحده امریکا تبدیل می شوند. بدیهی است جهت گیری سیاست خارجی پاکستان متأثر از رویکرد جدید امریکا و نحوه ترسیم صحنه رقابت در بین قطب های رقیب منطقه (هند-چین و روسیه) و چگونگی مواجهه آن ها با هژمونی ایالات متحده خواهد بود لذا نحوه تعامل، پیش بینی و مواجهه با هر نوع جهت گیری احتمالی این کشور برای جمهوری اسلامی ایران حایز اهمیت فراوان است.

نوع ارتباطات دو کشور ایران و پاکستان و شرایطی که عراق رابه عنوان یک دشمن بالفعل و ترکیه رابه یک دشمن بالقوه برای ایران تبدیل کرده است، درمورد پاکستان چندان پررنگ نیست. این دو کشور نسبت به هم

^۱ - Economic Co-operation Organization(ECO)

ادعاهای ارضی نداشته و اپوزیسیون هر کشور در کشور دیگر جایگاهی ندارد. ساختار حوزه سرزمینی دو کشور به گونه ای نیست که طمع تعرض به یکدیگر جهت دستیابی به موقعیت سرزمینی و ژئواستراتژیکی بهتر در آن‌ها ایجاد کند. ساختار نیروهای مسلح دو کشور و روابط دوستانه و سنتی آن‌ها در گذشته نوعی مانع در برابر احساسات منفی متقابل به شمار می‌رود. ارتش پاکستان از ذهنیت مثبتی نسبت به ایران برخوردار است که حاصل کمک‌های ایران به پاکستان در جنگ‌های گذشته با هند است اما با این حال مهمترین‌چالش برای جمهوری اسلامی ایران در تحولات ژئوپلیتیک منطقه، جایگاه پاکستان در اراده هژمونیک ایالات متحده امریکا می‌باشد. برنامه ریزی در زمینه گسترش همکاری‌های اقتصادی کلان دو کشور به ویژه در زمینه صدور نفت و گاز به پاکستان و در ادامه آن به کشور هند فرصت‌های مغتنمی هستند که بایستی مورد توجه جدی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته تا از آنچه که امروزه از آن به موقعیت "ژئوپلی نومی" یاد می‌شود حداکثر بهره‌برداری را بنماید. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند روند جاری در سیاست خارجی و امنیتی هند مبنی بر عادی‌سازی روابط با پاکستان را مورد حمایت عملی خود قرار دهد. با وجود این که تنش در روابط هند و پاکستان همواره این دو کشور را وادار می‌سازد که امتیازاتی به جمهوری اسلامی ایران بدهند اما منافع ناشی از عادی‌شدن روابط میان دو کشور به مراتب دارای ارزش بیشتری برای ایران می‌باشد زیرا این موضوع علاوه بر آن که موجبات تعمیق روابط استراتژیک ایران با هند را فراهم می‌سازد، رقابت تسلیحاتی در منطقه و زمینه‌های سوء استفاده ایالات متحده امریکا از ایجاد تنش در مناسبات کشورهای منطقه را نیز کاهش می‌دهد.

منابع

- ۱- افشون، تورج (۱۳۷۹)، زمینه‌ها و عوامل چالش هند و پاکستان، انتشارات اندیشه سازان نور.
- ۲- افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی ج.ا.ا، انتشارات دوره عالی جنگ.
- ۳- آخوند فرجی، عبدالرضا (۱۳۶۵)، جغرافیای کشورهای مسلمان، شرکت چاپ و نشر.
- ۴- اردستانی، حسین (۱۳۸۳)، تحولات عمده نظامی جهان، مؤسسه تحقیقات دفاعی و امنیتی.
- ۵- ایزددوست، مصطفی (۱۳۸۳)، فصلنامه سیاست خارجی، امور.
- ۶- ایولاکست (۱۳۸۳)، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، ترجمه علی فراستی، تهران، نشرآمن.
- ۷- بیگلری، محمد (۱۳۸۱)، بررسی ژئوپلیتیک پاکستان بر امنیت ج.ا.ا، رساله دکتری، دانشگاه دفاع ملی.
- ۸- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۵)، بازارهای جهانی گاز طبیعی، ماهنامه سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۷ و ۸.
- ۹- توال، فرانسوا (۱۳۷۵)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علیرضا قاسم آقا، تهران، نشرآمن.
- ۱۰- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۰)، چالش‌ها در روابط با همسایگان، تهران، انتشارات اندیشه سازان نور.
- ۱۱- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹)، وضعیت ژئوپلیتیک پنجاب در پاکستان، تهران، انتشارات المهدی

- ۱۲- حافظ نیا، محمد رضا(۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک یک بررسی فلسفی، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول صص ۲۰-۳۶.
- ۱۳- حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات آستان قدس.
- ۱۴- حیدری، غلامحسین (۱۳۸۴)، تبیین الگوی مدیریت سیاسی فضا، تهران، فصلنامه انجمن ژئوپلیتیک، شماره اول صص ۷۷-۹۶.
- ۱۵- حشمت زاده، محمد باقر(۱۳۷۹)، رویکردهای دفاعی و امنیتی ایران، فصلنامه دفاعی و امنیتی ایران، شماره ششم صص ۴۵-۶۳.
- ۱۶- صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۰) جغرافیای نظامی ایران، انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).
- ۱۷- صدوقی، محمد(۱۳۸۳)، هند در تقابل با پاکستان، تهران، نشرمرکز مطالعات راهبردی، شماره بیست و سه.
- ۱۸- عزتی، عزت ... (۱۳۷۳)، ژئواستراتژی، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۹- عزتی، عزت ... (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۰- قالیباف، محمداقرا(۱۳۷۶)، جغرافیای نظامی پاکستان، جزوات درسی دانشگاه امام حسین(ع).
- ۲۱- کاظم پور اردبیلی، حسین(۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک انرژی، روزنامه همشهری دیپلماتیک، شماره پنجم.
- ۲۲- کریمی پور، یدا... (۱۳۷۱)، تحلیل ژئوپلیتیک سیستان و بلوچستان، ایان نامه.
- ۲۳- کولایی، الهه(۱۳۷۶)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۴- کولایی، الهه(۱۳۷۹)، اکو و همگرایی منطقه ای، تهران، مرکز مطالعات خاورمیانه.
- ۲۵- مجتهد زاده، پیروز(۱۳۷۹)، جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت ها، تهران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هشتم.
- ۲۶- سالنامه آماری جهان (۱۳۸۰)، مرکز آمار ایران.
- ۲۷- میر حیدر، دره(۱۳۸۵)، مقایسه جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول صص ۱-۴۱.
- ۲۸- مویر، ریچارد(۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی.
- ۲۹- نژند، مژگان(۱۳۸۰)، قدرت نظامیان در پاکستان، روزنامه کیهان.

30- Kjeld Frink Brodsgaard and Bertel Heurlin, (2002), Chinas Place in Global Geopolitics, London, Routledge Curzon, pp 205.

31- M. S. Golwalk, (1999), we or our Nationhood Defiend, Nagpur: Bharat publications, pp2-3.